

نظم مغولی در جهان میانه: نقدی بر کتاب «روسیه و اردوی زرین»

سید

ابوالفضل رضوی^۱

چکیده

چارلز. جی. هالپرین، متخصص در تاریخ روسیه دوره حاکمیت مغول، در کتاب «روسیه و اردوی زرین» مواجهه متفاوتی با تاریخ این عصر داشته است. اهتمام نویسنده به جامعه، حکومت و اقتصاد روسیه از حیث تأثیر گذاری مغولان اردوی زرین بر این وجوه از زندگی اجتماعی، اثر وی را متمایز کرده و الگوی پژوهشی موفقی را پدید آورده است. فقدان یا کمبود آثار پژوهشی به زبان فارسی که به تاریخ «اولوس جوجی» پرداخته باشد، به علاوه رویکرد روشمند و مسئله محور کتاب هالپرین، ضرورت توجه به این اثر را بیشتر می کند. نظر به ضرورت مذکور، نوشتار حاضر ضمن معرفی معطوف به محتوای کتاب، وجوه قوت و کاستی‌های این اثر را بررسی می‌کند.

واژه های کلیدی: مغول، روسیه، اردوی زرین، اصل اغماض، اولوس جوجی.

^۱ دانشیار تاریخ، عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Abolfazlrazavi@khu.ac.ir، شماره همراه: ۰۹۱۲۲۸۸۳۱۵۱.

۱. مقدمه

دوره حاکمیت مغول‌ها بر بخش قابل توجهی از جهان میانه، عصر متفاوتی را در تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر رقم زد. تاریخ مذکور اگرچه نوعی پیوستگی و تشابه نسبی را در مناطق مختلف تحت سلطه مغول در خود داشت اما تحت تأثیر ملاحظات محلی و منطقه ای متفاوت بود. بررسی شرایط تاریخی روسیه در دوران حاکمیت مغول و ماهیت مواجهه جامعه و حکومت در این عصر و به ویژه نحوه برخورد دولتمردان و رجال روسی و از جمله مورخان نسبت به مغول‌ها و بازتاب آن در منابع تاریخی و تاریخ‌نگاری، مسئله‌ای است که نویسنده کتاب: «روسیه و اردوی زرین» سعی در تبیین و تفسیر آن کرده است. نظر به اهمیت کتاب و رویکرد خاص نویسنده به موضوع در پرتو اصل اغماض، نوشتار حاضر سعی در معرفی و نقد کتاب در دو افق سلبی و ایجابی دارد.

۲. نقدی شکلی و بیرونی کتاب

۲.۱. شناسنامه اثر

عنوان: روسیه و اردوی زرین

نویسنده: چارلز. جی. هالپرین

مترجم: سیدعلی مزینانی

محل نشر: تهران

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

تاریخ نشر: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

صفحات: ۲۵۴

۲.۲. درباره نویسنده و ترجمه

چنان که مترجم در مقدمه آورده است: «چالز جی هالپرین»^۲ فارغ التحصیل دانشگاه کلمبیا و متخصص در تاریخ روسیه دوران میانه است. دو کتاب تألیفی وی «یوغ تاتار» و کتاب مورد بررسی: «روسیه و اردوی زرین» حاصل تحقیق وی در فرصت های مطالعاتی مولف در شوروی است. بعلاوه مقاله های چندی را در همین خصوص به چاپ رسانیده است (هالپرین، ۱۳۹۶، مقدمه ص ۱۱). «روسیه و اردوی زرین» که عنوان کامل آن «روسیه و اردوی زرین: تأثیر مغولان بر تاریخ روسیه قرون وسطی» بوده است از روی چاپ دوم اثر که در سال ۱۹۸۷ در انتشارات

². Charles. J. Halperin

آ. بی. توریس منتشر شده به فارسی ترجمه شده است.

۲. ۳. طرح مسئله و روش تحقیق

همچنان که مترجم کتاب یادآوری کرده و بخشی از مسأله نویسنده در جریان پژوهش بوده است، سلوک عامدانه وقایع نگاران و سالنامه نویسان روسی و شیوه خاص آنها در بهره گیری از «اصل اغماض» برای مسکوت نهادن چگونگی حاکمیت و مناسبات مغولان با روسها، موجب شده است که اطلاعات بسیار اندک، پراکنده و ناقصی درباره وجوه مختلف موضوع برجای بماند. به علاوه سلطه و شیوه مواجهه پژوهشگران روسی در زیان بار خواندن دوره سلطه مغولها نیز بر مشکل اخیر افزوده و لذا جمع آوری داده های پژوهشی سخت و منوط به تحمل مشقات فراوان و بهره گیری از شیوه مطالعه تطبیقی (بهره گیری از ماهیت مناسبات قومی- مذهبی دیگر مناطق و تعمیم آن به شرایط تاریخی روسیه دوره حاکمیت مغول) بوده است.

۲. ۳. ویژگی های فنی و ادبی کتاب

کتاب مذکور در قطع وزیری چاپ شده و به لحاظ ظاهری و طرح پشت جلد از الگوی مشترک و تکراری انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام اما با رنگی متفاوت استفاده کرده است. حروف چینی، صفحه آرایی و قلم مورد استفاده در اثر مناسب به نظر می رسد. مباحث مختصر و مفید مطرح شده و از حیث قواعد نگارشی و اصول ویرایشی از وضعیت

مناسبتی برخوردار است. اغلاط املائی در متن مشاهده نشد و از جهت استفاده مناسب از منابع و شیوه ارجاع دهی از مورد تأیید است. ترجمه مناسب و دقت در انتقال مفاهیم و پیام متن نیز از ویژگی‌های ممتاز کتاب قلمداد می‌شود.

۲. ۴. ساختار و فصل بندی مطالب

در کنار مقدمه مترجم، پیشگفتار و سپاسگزاری مؤلف، مباحث کتاب در ۲۵۴ صفحه و در یازده فصل تنظیم شده و در آخر ارجاعات، کتابنامه و نمایه آمده است. فصل نخست ماهیت مناسبات و مسالمت اجباری مسلمانان و مسیحیان را با وجود ادعاهای برتری طلبانه و خوی اصالتاً ناهم‌زیست پیروان این دو دین برای نشان دادن الگویی ذهنی در درک مناسبات مغولها و روس‌ها بررسی می‌کند. در این خصوص، فهم این مهم را در دستور کار دارد که مسیحیان و مسلمانان، علیرغم اختلاف‌های اساسی، ملتزم بودند در جهت تأمین امنیت، بهره‌گیری از منافع اعتقادی و مبادلات فرهنگی و اجتماعی، تعصب و یک‌جانبه‌نگری را کنار نهند و همزیستی مسالمت‌جویانه باشند. در نگاه نویسنده هرچند در منابع تاریخی روس بازتاب پیدا نکرده است؛ اما پس از فروکش کردن موج حملات و تهاجمات مقطعی، مناسبات مغولان و روس‌ها نیز همین طریق را پیمود و نیازهای مشترک طرفین، آنها را به مدارا و مشی معتدل‌تر رهنمون ساخت. با وجود برتری محرز مغولها در

قرون ۱۳ تا ۱۵ و حتی فراتر از آن در قرن ۱۶، قوم غالب نیز حسب شرایط، شیوه های اداری و اجرایی خود را در جهتی که به نفع امیر نشین های روسی بود تغییر داد و با وجود نفرت از مغولها، امیر نشین های روس مجبور به مسالمت و کنار آمدن با شرایط بودند.

فصل دوم: روس کی‌یفی و استپ، پیشینه مناسبات روس با استپ نشینان تا آمدن مغولها را با تأکید بر دوره کی‌یفی - از قرون ۶ تا ۸ میلادی تا حمله مغولها - مورد بررسی قرار می دهد و استقرار صحرانشینان مطرحی چون خزرها، بلغارها، پچنگ ها، قبچاق ها و چرنی‌کولبوک ها در روسیه را شرح می دهد. نزاع های دائمی و جنگ های فرسایشی استپ نشینان مهاجم با کی‌یف ها که ضمن نزاع برای برخورداری از معاش و منافع تجاری، بعنوان یک ضرورت کی‌یف ها را وادار می کرد تا نسبت به استپ نشینان و سنن آنها آشنایی لازم حاصل کنند و همانند آنچه که در مناسبات مسلمانان و مسیحیان در نواحی مدیترانه ای حاکم بود به جبر و یا اختیار، با بهره گیری از اصل اغماض با این مهاجمان در ارتباط قرار گرفته و خشونت و سب‌عیت آنها را تثبیت کنند. ورود یکباره مغولها به جلگه های جنوبی روسیه در سال ۱۲۲۳ و سپس هجوم سنگین آنها در سالهای ۱۲۳۷-۱۲۴۰ تجربه ای متفاوت را رقم زد که امرای روس همان رویه کی‌یف

را در مناسبات با این تازه واردان خشن تر بکار گرفت و اهل قلم روس نوعی بی توجهی کامل نسبت به ثبت وقایع مربوط به دوره حاکمیت آنها را در دستور کار قرار دادند. آنها به عمد به گونه ای درباره مغولها به ثبت تاریخ پرداخته اند که گویی استپ نشینانی از سنخ قبلی ها و خاصه قبچاق ها بودند که تنها گاه و بی گاه به روس حمله می کردند و لذا حاکمیتی در روسیه نداشته اند که منجر به تغییرات سیاسی و... شود.

فصل سوم: امپراتوری مغول و اردوی زرین، سیر قدرت گیری چنگیز و ساختار قدرت مغولی را با تأکید بر روند پیدایش اردوی زرین و ساختار اداری - اجرایی آن که از زمانی معلوم با تأثیر پذیری از ساختار دیوانی مسلمانان و بخصوص ایرانی ها با مرکزیت «سرای» نظامی متفاوت یافت را تا آمدن تیمور و زوال سنگین اردوی زرین در پایان قرن ۱۴ بررسی می کند. فصل چهارم: حکومت مغول روسیه، با نگاهی متفاوت چگونگی و تغییر راهبردی حاکمیت اردوی زرین بر روسیه نخست در قالب نظام «باسقایی» (مصادف با عصر طلایی دیوان سالاری اردوی زرین تا پایان قرن ۱۴) و سپس داروغگی (در حکم واگذاری اختیارات به امرای روسی) در پی طاعون سیاه و مشکلات ناشی از هجوم تیمور در پایان قرن ۱۴ میلادی را شرح می دهد. فصل پنجم: نقش مغول ها در سیاست روسها، حاکمیت

مغولها در روسیه و سیاست های آنها برای جلوگیری از اتحاد روسها، سنخ مقاومت روس ها در برابر مغول و فراز و فرود سیاسی، زوال تدریجی و تثبیت قدرت مغول ها در قرن ۱۶ میلادی با تداوم نفوذ ضعیف آنها را بررسی می کند. فصل ششم: با عنوان نظریه روسی حاکمیت مغولها در روسیه، مواجهه توأم با بی‌اعتنایی عامدانه نسبت به مغول ها و تنها ذکر خشونت و نه حاکمیت آنها را شرح می دهد.

در فصل هفتم حیات اقتصادی روسیه ی تحت استیلای اردوی زرین با تمرکز بر تجارت بررسی می شود و فصل هشتم به طرح و نقد نظریه هایی می پردازد که پیدایش حاکمیت مغول جامعه روسیه را با طرح نظریه هایی درباره ماهیت عکس العمل مردم در برابر مغول، مناسبات زناشویی مغولان و امرای روس و تأثیر آن بر هویت و تبار برخی امرای روسی و به ویژه تأثیر مغول در سه سنت منفی «تیرم»^۳، «قباله»^۴ و «برده داری» در روس و البته نقد آنها را مورد اهتمام قرار می دهد. در فصل دهم: «زندگی فرهنگی»، با در نظر داشتن تأثیر فرهنگی بیزانس در فرهنگ روس، به تأثیرگذاری فرهنگی مغول ها در روسیه پرداخته و این نظریه را که مغول ها در عدم تحقق رنسانس در روسیه مؤثر بودند را نقد می کند و ضمن آن به آثار

³ terem

⁴ kabal

و مراکز فرهنگی «سرای» پرداخته و اثر گذاری اندک مغولها در حیات فرهنگی روسیه را نتیجه گیری می کند. در فصل یازدهم: «نتیجه گیری»، جمع بندی مسأله مهم در دستور کار کتاب را که همانا بی توجهی ثبت تاریخ مغول در روسیه است را در بر می گیرد.

۳. نقد درونی و محتوایی کتاب

۳. ۱. مسأله مندی و ضرورت اثر

دوره حاکمیت مغولها بر بخش عظیمی از آسیا، از حیث دگرگونی های چندی که در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پدید آورد ممتاز و لذا نیازمند تحقیق فراوان است. در همین جهت از جمله دوره هایی است که مورد توجه زیاد پژوهشگران قرار گرفته و آثار زیادی درباره آن پدید آمده است. صرف نظر از رونق تاریخ نگاری فارسی در عهد ایلخانان و اهتمام ویژه به مغولها در منابع تاریخ نگاری فارسی و همین طور توجه ویژه به مغولها در چین و در همان حال بی اعتنایی ویژه روس ها به مغول در منابع نوشتاری خویش (با همه پیامدهای مستقیم یا غیر مستقیم هجوم و حاکمیت مغول بر بخش های گسترده ای از روسیه و مناسبات دو جانبه امیران روسی با خوانین اردوی زرین) به نظر می رسد درباره دوران حاکمیت مغولها در روسیه به طور عام و در ایران به طور خاص پژوهشهای چندی صورت نگرفته و متأسفانه آثار ترجمه ای

اندکی نیز در این زمینه وجود دارد. این در حالی است که درباره دوران ایلخانان پژوهش‌های قابل توجهی به انجام رسیده است. کتاب «روسیه و اردوی زرین» و ضرورت پرداختن به آن دقیقاً از همین موضع اهمیت خود را نشان می‌دهد. جدای از شیوه تحقیق و محتوای کتاب که در جای خود جالب است، فقدان ادبیات پژوهشی قابل اعتنا در خصوص موضوع، ترجمه کتاب را از جایگاه ویژه‌ای برخوردار کرده است. ترجمه شیوا و دقت مترجم در برگردان اسامی، مفاهیم و محتوای کتاب نیز جای تقدیر دارد.

۳. ۲. رویکرد علمی و اخلاقی به موضوع

کتاب از نظمی منطقی پیروی می‌کند و در طراحی فصول از نظمی منطقی و انسجام علمی برخوردار است. نویسنده با رویکرد علمی و به دور از ملاحظات ارزشی به پژوهش درباره موضوع پرداخته و اخلاق در پژوهش را رعایت کرده است. از این رو مباحث کتاب موضع‌گیری ضدارزشی که با مبانی ایرانی-اسلامی در تعارض باشد در خود ندارد و معیاری علمی و به دور از جهت‌گیری را دنبال می‌کند. اگرچه کتاب نمی‌تواند به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گیرد اما موضوع و مسئله در دستور کار کتاب بسیار مهم و برای پژوهشگران متخصص در حوزه تاریخ مغول و ایلخانان ارزشمند است. رویکرد و نحوه پرداختن نویسنده به مباحث ضمن اینکه اطلاعات خوبی را فراهم آورده است، به

جهت نوآوری و دقت در پیگیری اصل اغماض در بینش مورخان روسی عهد حاکمیت مغول و ارائه الگوی پژوهشی مناسبی که در اختیار پژوهشگران ایرانی قرار می دهد آموزنده و قابل اقتباس است. استفاده مؤلف از منابع و ماخذ مختلفی که به هر علتی در اختیار محققان داخلی نیست نیز اهمیت به سزایی به کتاب بخشیده است.

۳.۳. امتیازات و نقاط قوت کتاب

۳.۳.۱. مسأله محوری کتاب و جستجوی دغدغه ای مشخص تا پایان تحقیق از جمله ویژگی های اصلی کتاب است. این مسأله که با وجود حاکمیت مغول و حدود چهار قرن تأثیرگذاری مستقیم یا غیر مستقیم اردوی زرین بر سیاست، اقتصاد و جامعه روسی و همین طور پیشینه مناسبات کیف و دیگر مناطق روس با استپ نشینان پیش از مغول، عکس العمل اصلی روس ها و بخصوص وقایع نگاران روسی انکار این واقعیت بوده است در سراسر کتاب دنبال می شود. تلاش روسها در جهت توجیه حاکمیت مغولها (بعنوان موجی موقتی اما همیشگی برای جامعه روس) و سعی در یافتن پاسخ این عکس العمل و اثبات تأثیرگذاری مغول، علیرغم بی اعتنائی روسها و انکار آن از سوی وقایع نگاران روسی، دغدغه اصلی کتاب هالپرین است که به نظر می رسد جوانب مختلف آن را خوب تشریح کرده است. نویسنده با ذکر نمونه های تاریخی- هر چند اندک - نشان می دهد روس ها با اردوی زرین رابطه تنگاتنگی

داشته و آنها را به خوبی می شناخته و بر سنن و ساختار حکومتی آنها اشراف داشتند. با این حال، در پناه دفاع عقیدتی و کافر پنداشتن یا غیر مسیحی بودن این حاکمان بیگانه، واقعیت موجود را نفی کرده و با ذکر مواضع خشونت و خسارت های حاصل از حملات گاه و بیگاه آنها، ارتباط مغول با تاریخ روسیه را در حکم امواجی زودگذر تلقی کرده اند.

۳. ۳. ۲. روشمندی پژوهش و داشتن چارچوب مشخص برای پیشبرد و آزمون جنبه های مختلف مسأله در فصول مختلف کتاب، نقطه قوت دیگری است که با طرح و نقد نظریه های مختلفی که از سوی پژوهشگران هم‌نوا یا مخالف ماهیت تأثیر گذاری مغول ها همراه شده و افق های جدیدی را به روی پژوهشگران می گشاید. نظریه های مطرح درباره عکس العمل مردم روس در برابر مغول، رواج سنت های منفی سه گانه ترم، قباله و برده داری؛ دیدگاه های مبتنی بر نقش مؤثر مغول در استبدادی شدن ساختار حکومت مسکووی پس از زوال مغول و مغولها را علت عدم تحقق رنسانس در روسیه و اروپای شرقی دانستن از این جمله است.

۳. ۳. ۳. مقایسه گاه و بیگاه نویسنده درباره بازتاب سلطه مغول در دو قلمرو مطرح ایران و چین با بازتاب کم فروغ این مهاجمان در جامعه و فرهنگ روس نیز در جای خود جالب است. اینکه هم چینی ها (با نوشتن آثاری همچون تاریخ سری)

و هم ایرانی (-) با نوشتن تاریخ جهانگشا) به صراحت سلطه مغول را پذیرفته و سعی در پذیرش ذهنی آن با بهره گیری از سنن سیاسی و اندیشه های فلسفی خویش کرده اند، اما در روسیه نه جامعه و نه فرهنگ این واقعیت را نپذیرفته اند و همین طور در جامعه ایران و چین سلسله های مغولی حکومتگر سنن حکومتی کارآمدی داشته اند (ر.ک: رضوی، ۱۳۹۸: ۱۳۶-۱۴۷) که مغولها را ملزم به بهره گیری از آن کرده، اما در اردوی زرین به جای بهره گیری از سنت های بومی، از سنن ایرانی - اسلامی و بعضاً چینی - مغولی استفاده شده و به عکس این مغولها بوده اند که بنیانگذار سنن حکومتی قلمداد می شوند که بعدها امپراتوری مسکووی (هر چند بدون اذعان و غیر مستقیم) از آن تأثیر می پذیرد از جمله وجوه مقایسه مذکور است.

۳. ۳. ۴. تشریح نحوه اداره روس توسط مغولان اردوی زرین و شرح ساختار اجرایی حکومت آنها در دو دوره متفاوت عصر اقتدار و دوره ضعف و ریشه های دو نحو ساختار متفاوت مورد کاربرد آنها نقطه قوت دیگری است که می تواند در فهم موثرتر ساختار اجرایی مغولان در ایران و چین نیز یاریگر باشند. در حالی که پژوهش های انجام گرفته درباره ایلخانان میان مفاهیم باسقاق، شحنه و داروغه و حوزه کارکردی آنها اطلاعات دقیقی وجود ندارد و یا آن چنان که

باید و شاید منابع تاریخی و تاریخ نگاری در این جهت مورد بازکاوی لازم قرار نگرفته اند (برای نمونه: لمبتون، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱، ۹۰-۹۱؛ لمبتون، ۱۳۸۵: ۱۵۳-۱۵۵)، شرح نظام باسقاوی که گویا از همان سالهای آغازین حاکمیت اردوی زرین اعمال شده است و دو وظیفه مهم گردآوری نیروی نظامی و جمع آوری مالیات هارا با حضور مستقیم در مناطق (تیمها) به انجام می رسانید و البته نظر به بدبینی روس ها و ضرورت حضور مستقیم در مناطق (تیمها) برای ایشان هزینه آور بود، جالب و قابل به کار گیری در مطالعات ایرانشناسی در عهد ایلخانان است (هالپرین، ۱۳۹۶: ۶۵-۷۵). در پی مشکلاتی از قبیل عکس العمل روس های ناراضی، جنگ های داخلی، «مرگ سیاه» و در نهایت هجوم های تیمور، مغولها مجبور به کنار گذاشتن شیوه باسقاوی و جایگزینی نظام داروغگی به جای آن شدند. در نظام جدید وظایف مربوطه به باسقاق ها و تأمین منافع مغولی بر دوش امرای تاتار بود که در «سرای» مرکز اردوی زرین استقرار داشتند و تنها ایلچی هایی را برای تحقق خواسته های مورد نظر امرای روسی اعزام می کردند. چنان که پیداست نظام داروغگی مذکور که در حکم واگذاری ایالات قلمرو ایلخانی به حکام محلی و تنها حضور شحنگان و باسقاقان در کنار آنها (به عنوان شیوه خاص ایران و تضمین کننده تأمین منافع دربار ایلخانان)

بوده است، به مثابه مدارای بیشتر اردوی زرین در مواجهه با روسها و دادن آزادی بیشتر به امیران محلی برای اداره کیفی تر تِماها و کاستن از هزینه های سنگین تر اداره مستقیم تر امور بوده است. هر چند نویسنده قائل به این است که نظام داروغگی از سلطه بر مناطق اسلاو نشین نکاست اما باید پذیرفت که قبول واقعیت اداره غیرمستقیم ایالات و کم کردن مواجهه مستقیم عمال مغولی با مردم و به جای آن مواجهه با امرای محلی که به طور قطع بر جایگاه و عملکرد استبدادی آنها می افزود در حکم کاهش نفوذ مغولها نیز بوده است.

۳. ۳. ۵. اهتمام به جامعه، اقتصاد و حکومت در جریان پژوهش و رویکرد علم اجتماعی داشتن به تاریخ از جمله نقطه قوت های پژوهش است که در این میان توجه به اقتصاد و تأثیر گذاری حکومت ها بر حیات تجاری و به ویژه دگرگونی در مسیرهای تجاری جالب توجه است. مسیر تجاری ابریشم و ادویه از آسیا به اروپا از قلمرو بلغارهای مسلمانان ولگا و منافع آن برای آنها و کیف(هالپرین، ۱۳۹۶: ۳۴)، سود وزیان حاصل از وضعیت سیاسی حاکم بر طبقات مختلف جامعه روسی و بهره مندی بیشتر اشراف، تجار و پیشه وران از تجارت با استپ نشینان اما زیان همیشگی دهقانان از مناسبات روسها با استپ نشینان (همان: ۴۲-۴۱)، تغییر مسیر تجاری حمل

و نقل خز از مسیر شرقی - غربی به مسیر شمالی - جنوبی که به جای نووگراد از مسکو و آستیوگ می‌گذشت و رونق این شهر را در پی داشت در زمان مغول و در همان حال تقویت تجارت رودخانه ولگا به بالتیک که مانع از زوال تجاری نووگراد شد، به‌علاوه تداوم مناسبات تجاری نووگراد با اتحادیه هانزا در اروپا از یک سو و ارتباط تجاری با شرق و دنیای اسلام از سوی دیگر که تمامی رونق تجاری مناطق روسیه را به دنبال داشت و تمرکز همه این دستاوردها در «سرای» بود (همان: ۱۳۳-۱۳۰)، دگرگونی مسیر کاروان روی شرق از مسیر اردوی زرین توسط تیمور که در حکم شوک بزرگی بود اما در حیات تجاری روسیه تأثیر چندانی نگذاشت و در پی آن روسها مناسبات تجاری خود را هم با امیر نشین های مغولی میراث خوار اردوی زرین و هم با ایران تقویت کردند و چندان زیانی ندیدند (همان: ۱۳۵) از جمله نمودهای مورد توجه نویسنده است.

۳. ۳. ۶. طرح نظریه های مختلف درباره ی مسائل مهم تاریخ روسیه از حیث اثر گذاری مغولها و البته تلاش در جهت نقد و اغلب رد یا تعدیل نظریه های مذکور، نقطه قوت دیگری است که نویسنده خوب از عهده آن بر آمده است. از این جمله: الف - واکاوی علت برگشت سپاه مغول از اروپا و نجات مابقی اروپا از ویرانگری های مغول که آن را بر اساس دو نظریه

شایع: ۱- مقاومت روس ها و سایر اهالی اروپای شرقی ۲- فقر پوشش گیاهی دشت های مجارستان؛ با آنکه نویسنده هر دو دیدگاه را رد می کند و تأثیر مرگ قاآن اوکتای و اختلاف های بعدی اولوس ها در عدم از سرگیری حملات رامهم تر می داند (همان: ۸۴-۸۲). ب- بررسی تأثیر حاکمیت روس ها بر استبداد حاکمیت روس با مرکزیت مسکووی بعد از زوال مغول که دو دیدگاه مؤید و مخالف این نظرگاه را آورده و سپس خود به تعدیل آنها پرداخته است (همان: ۱۴۱-۱۴۰). ج- واکاوی این دیدگاه و نقد آن که مغول ها با از میان بردن دو سنت سیاسی دیر پای روسیه: یکی «وچه» یا اجلاس عمومی شهرها و دیگری «بویاستو»^۵ یا نظام اشرافیت روسی زمینه را برای هر چه بیشتر استبدادی شدن حکومت در روسیه هموار کردند (همان: ۱۵۲-۱۵۰). د- این دیدگاه که بیزانسی ها در سیر استبدادی شدن روس تأثیر بیشتری در مقایسه با مغولها داشته و نظریه جایگاه مغولان در این مسیر باید تعدیل شود (همان: ۱۵۲-۱۵۳). ه- طرح دیدگاههایی درباره عکس العمل منفعل یا پویای مردم روس در مواجهه با مغول (همان: ۱۶۴) و- نقد نظریه های مبتنی بر سهم مغول در شکل گیری سه نهاد عرفی سرکوب کننده که صفت ممیزه دولت مسکووی شد: ترم که تحقیر بانوان را در پی داشت؛ نظام بندگی

⁵ Boyastov

«قباله» یا بندگی حاصل از بدهکاری مالی، و رواج سنت برده داری، و آنگاه نقد آنها.

۳.۴. بیان کاستی‌ها

۳.۴.۱. نخستین ضعف قابل تأمل در کتابی که مناسبات «روسیه» و «اردوی زرین» را بررسی می‌کند این است که نویسنده محترم نه درباره روسیه و نه اردوی زرین، اطلاعات چندان در خور توجهی درباره تاریخ سیاسی ارائه نمی‌کند؛ اگر چه به مقتضای بحث اشاره‌هایی به تاریخ سیاسی دارد اما در پژوهشی مسأله محور که تبیین و تفسیرهای قابل توجهی درباره سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ روسیه از حیث تأثیر گذاری مغولها ارائه می‌کند کم‌اعتنایی به تاریخ سیاسی یک ایراد قابل توجه است. در همین جهت خواننده کتاب قادر به برقراری ارتباط زمانی و دوره بندی مشخصی که تحولات مورد نظر نویسنده در آن رخ داده است نخواهد بود. هر چند برخی مکاتب تاریخ‌نگاری اعتنای کمتر به تاریخ سیاسی را وجه مثبت پژوهش‌های تاریخی قلمداد می‌کنند، اما از یاد نبریم که آن در صورتی است که تنها به تاریخ سیاسی و نظامی پرداخته شود و دیگر وجوه تاریخ قربانی تاریخ سیاسی شود و یا در حاشیه آن قرار گیرد. برای کتابی که وجوه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موضوع مورد مطالعه را با همه سختی‌های پژوهش به نحو مطلوب بررسی کرده است، نپرداختن به تاریخ سیاسی و

اهمال در این خصوص یک نقیصه قلمداد می شود.

۳. ۴. ۲. التفات کمتر به تبار شناسی مفاهیم و اصطلاحات بی شماری که در کتاب به کار رفته از جمله واژه «روس»، «کی‌یف»، «اردوی زرین»، نام برخی قبایل استپ نشین همانند «چرنی‌کولبوک» ها، «پلووتسی‌ها»، و. . . برای خواننده ای که نسبت به موضوع دانش اختصاصی ندارد یک نقطه ضعف محسوب می شود. سراسر کتاب پر از مفاهیمی است که جا داشت به نحوی حداقلی ریشه، تبار و معانی آنها را برای خواننده شرح داده می شد.

۳. ۴. ۳. در عین حالی که شیوه نویسنده در طرح دیدگاههای چند درباره مسائل مربوط به جامعه و حکومت روس و بخصوص نقد این دیدگاهها جالب است؛ اما نقد سلبی این دیدگاهها از سوی هالپرین و سعی در اثبات نظرگاههای خود با چنین رویکردی در جای خود یک نقیصه است که تنها در مواردی اندک با رویکرد بینابینی با آنها برخورد کرده است.

۳. ۴. ۴. در حالی که عنوان کتاب «روسیه و اردوی زرین» است اما مسأله مورد اهتمام نویسنده مصروف بررسی و احیاناً اثبات تأثیر اردوی زرین بر سیاست، اقتصاد، حکومت و جامعه روس شده است. در مقابل هیچ تلاشی جهت تأثیرگذاری روس ها بر اردوی زرین انجام نشده است. با وجود اشاره های مکرر نویسنده به مناسبات پیشین اهالی

روس با استپ نشینان و آشنایی دیر هنگام با این اقوام، اهتمامی به این مسأله نشده است که آیا روس ها نیز بر استپ نشینان به طور عام و مغولها به طور خاص تأثیری گذارده اند یا خیر و مهم تر اینکه اگر نگذاشته اند چه اسبابی داشته است.

۳. ۴. ۵. تفسیر نویسنده از «اصل اغماض» جهت توجیه بی اعتنایی جامعه و تاریخ نویسی روس نسبت به مغولها و نقش سلطه آنها، آن هم به بهانه خصومت اعتقادی و غیر مسیحی دیدن دشمن، چندان متقاعد کننده نیست. بخصوص با توجه به فصل اول کتاب که به ماهیت مناسبات مسلمانان و مسیحیان در دنیای مدیترانه ای پرداخته و اصل اغماض و مسالمت اجباری طرفین را عامل دوام همسایگی و مراودات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها دانسته است، تفسیر خاص از بهره گیری وقایع نگاران روس از اصل اغماض را رضایت بخش نشان نمی دهد. به نظر می رسد مقتضیات تاریخی و از جمله عدم نفوذ و سلطه مستقیم مغولها در جامعه روس و در بهترین حالت بهره گیری از شیوه های باسقانی و داروغگی که به معنی حکمروایی مسلط و مستقیم مغولها در روسیه نبود نیز در این کم اعتنایی وقایع نگاران نسبت به مغولها و نفی سلطه آنها بی تأثیر نبوده است.

۳. ۴. ۶. ماهیت مناسبات اردوی زرین با ایلخانان و ممالیک، دو حکومتی که در

بیشتر ایام مناسبات خصمانه داشتند و در چگونگی رقم خوردن تاریخ خاورمیانه نقش تعیین کننده ای ایفا می کردند و همین طور مناسبات آنها با دیگر حاکم نشین های مغولی، در کتاب مورد بی اعتنائی تام است (برادبریج، ۱۳۹۹: ۸۵-۱۰۰، ۱۸۶-۱۹۶؛ رضوی، ۱۳۹۰: ۵۳-۷۹).
بالاخره بخش مهمی از این مناسبات هزینه آور بر حیات سیاسی و اقتصادی روس و به ویژه برخی از مناطق آن که در معرض بیشتر پیامدهای این مناسبات بودند تأثیر مستقیم داشت اما مورد توجه نویسنده کتاب واقع نشده است.

۴. ارزیابی نهایی

بی تردید جایگاه هر پژوهش و قوت و ضعف آن را باید در حوزه مطالعاتی خاص آن اثر و میزان تأثیری که بر ادبیات تحقیقی آن حوزه دارد مورد سنجش قرار داد. از این حیث کتاب «روسیه و اردوی زرین» به حق افق های متفاوتی را در مطالعه مغول شناسی گشوده است. به طور طبیعی تحقیق و نگارش هر اثری با ضعف و ایراد همراه است، منتها میزان غلبه ضعف یا قوت است که یک اثر پژوهشی را متمایز می کند. ضعف پژوهش های مغول شناسانه محققان ایرانی درباره اردوی زرین و حتی تاریخ روسیه و مهم تر سنخ مواجهه نویسنده با موضوعات مورد نظر موجب شده است که کتاب هالپرین اثری متمایز قلمداد شود. ترجمه این اثر می تواند الگویی پژوهشی برای مغول شناسان ایران فراهم کند و

فراتر از پژوهش در عصر ایلخانان برای مطالعه دیگر دوره های تاریخ ایران نیز نمونه مناسبی باشد.

منابع

برادبریج، آن. اف (۱۳۹۹). پادشاهی و ایدئولوژی در دنیای اسلامی- مغولی (چالش مشروعیت سیاسی- مذهبی میان فرمانروایان ایران با مالیک مصر از ایلخانان تا تیمور)، ترجمه جواد عباسی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۸). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، چ ۳، تهران: امیرکبیر.

رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۹)، «روابط ایلخانان با خوانین دشت قباچاق»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۰، ۵۳-۷۹.

لمبتون، ان. کی. اس (۱۳۸۶). تداوم و تحول در تاریخ ایران میانه، ترجمه یعقوب آژند، چ ۹، تهران: نشر نی.

لمبتون، ان. کی. اس (۱۳۸۵). «بعضی از مناصب دیوانی در ایران»، در: سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

لمبتون، کی. اس. ان (۱۳۸۵). «ساختار درونی امپراتوری سلجوقی»، در: سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

هالپرین، چارلز، جی (۱۳۹۶). روسیه و
اردوی زرین، ترجمه سیدعلی مزینانی،
تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

**The Mongol Order in the Middle World: A Criticism
on the book: Russia and the Golden Hord: the Mongol
impact on medieval Russian history**

Sayyid Abolfazl Razavi⁶

Charles.J .Halperin, an expert on the history of Russia during the Mongol period, in his book "Russia and the Golden Horde" has a different encounter with the history of this era. The author's interest in Russian society, government, and economy in terms of the influence of the Mongols of the Golden Horde on these aspects of social life has distinguished his work and created a successful research model. The lack or scarcity of research works in Persian that deal with the history of "Olus Joji", in addition to the methodical

⁶ Associate Professor of history, Kharazmi University, Tehran, Iran.
Abolfazlrazavi@khu.ac.ir

and problem-oriented approach of Halperin's book, increases the need to pay attention to this work. In view of the above necessity, the present article, while introducing the content of the book, examines the strengths and weaknesses of this work.